

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۹ آذر ۱۳۹۹ = ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ = ۲۹ نوامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۷۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱

اذان صبح فردا ۵:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

با وجود اعلام محدودیت‌ها در مناطق قرمز کرونایی بعضی از فروشگاه‌ها مخفیانه فعالیت می‌کنند. عکس: فاطمه عموزاد، میزان



رسانه

آگهی‌های صداوسیما و طرح یک پرسش

حتی لوکیشن و فضای ضبط این آگهی‌ها نیز بسیار دور از زندگی این روزهای مردمی است که اتفاقاً مخاطبان بالقوه تلویزیون هستند. آگهی‌ها تجاری بیش از آنکه

اطلاعاتی دقیق راجع به کیفیات کالاها در اختیار خریداران قرار دهند، عادات مصرفی جدیدی را در مصرف‌کنندگان برمی‌انگیزانند و تقویت می‌کنند که اساسا امکات تحقق آنها در زندگی واقعی برای آنها وجود ندارد. تبلیغات این روزهای صداوسیما، اتفاقاً پیبنده را با گزینه‌ها مختلف در خرید آشنا نمی‌کند، بلکه چنین اتفاق می‌افتد که رفع نیازهای آنها فقط با خرید کالا امکان‌پذیر است و اغلب، درست است که در همه‌جای دنیا هدف تولیدکنندگان کالا، افزایش تقاضا برای فروش بیشتر و نهایتاً سودآوری بالاتر است، اما وقتی در کشوری که تلویزیون آن دولتی و انحصاری است و دائم از کرامت انسانی می‌گوید و تمام سیاست‌ها به‌ظاهر در تکریم عدالت و توجه به طبقه ضعیف جامعه است، نمی‌توان در تبلیغات آن رسانه دولتی، خط فکری دیگری را دنبال و مانند یک کشور کاپیتالیست رفتار کرد. خانواده‌ای را تصور کنید با یک حقوق پایین یا حتی متوسط و لیستی از خریدهای ریز و درشت و البته دست‌نیافتنی، این خانواده طبعاً در کنار رسانه‌های مجازی، گاه‌گداری تلویزیون به‌ویژه سریال‌ها و



پژمان موسوی روزنامه‌نگار

این روزها زندگی سخت شده، برای طبقه متوسط و ضعیف جامعه سخت‌تر؛ افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها از یک سو و بی‌بثابتی دامنه‌دار در بازارهای مختلف، نهنتها آینده را برای بخش زیادی از جمعیت ایران غیر قابل پیش‌بینی کرده، بلکه همین فردا را هم در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. تقریباً روزی نیست که بحران در تأمین، توزیع یا قیمت یک کالای اساسی، دغدغه روزمره مردم نباشد؛ روزی مرغ در بحران است، روزی تخم‌مرغ، روزی دیگر گوجه‌فرنگی و دیگر روز، گوشت و ماهی. در این روزگارِ سخت که کرونا هم مزید بر علت شده و حداقل چندده میلیون ایرانی را محتاج کمک هزینه صدهزارتومانی کرده، صداوسیمای ایران کوبی در یک عالم دیگر سیر می‌کند و برای آدم‌هایی در یک جهان دیگر میان‌برنامه و تبلیغ پخش می‌کند. تلویزیون ایران این روزها سرشار است از آگهی‌هایی که نهنتها تأمین و خرید آنها برای طیف بزرگی از مردم ممکن نیست، که

حقوق کودکانی

حقوق تضییع‌شده کودکان در روزگار پاندمی

میلاد صفایی: ٬پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که به سبب تصریح حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان، اصلی‌ترین منبع بین‌المللی موجود در حمایت از حقوق کودکان محسوب می‌شود. پیمان‌نامه حقوق کودک، تأمین حقوق اولیه و اساسی کودکان را که از موجودیت انسانی و اقتصادات سنی آنان ناشی می‌شود، الزامی دانسته و ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد مهابتک و متعالذ آنان در زمینه‌های اساسی را به‌عنوان یک حق برای کودکان برمی‌شمارد. دولت‌هایی که این پیمان‌نامه را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند. جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله دولت‌هایی است که کنوانسیون حقوق کودک را مشروط بر آنکه مفاد آن در هر مورد و هر زمان که در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعایه نباشد، پذیرفته و در اسفندماه سال ۱۳۷۲، به مثابه قانون داخلی لازم‌الاجرا با حفظ حق شرط خود، تصویب کرده است. در سالروز تصویب این پیمان‌نامه و شرایط بحرانی ناشی از شیوع جهانی ویروس کرونا (کووید۱۹)، باید یادآور شد که در عین حفظ جان و سلامت کودکان، منافع عالیه کودکان را فارغ از نژاد، رنگ پوست، منشأ اجتماعی و قومی یا ملی، میزان دارایی، معلولیت، وضعیت سرپرست یا والدین و هر موقعیتی دیگری که کودک در آن قرار دارد، نباید از خاطر برد. مسئله حقوق کودکان، مسئله‌ای پیچیده و دارای ابعاد گوناگونی است. به‌نحوی که تدوین و اجرای سیاست‌های حمایتی از کودکان و حقوق ایشان را باید با جدیت و توجه بیشتر پیگیری کرد. در شرایط بحرانی ناشی از اپیدمی این ویروس، اهمیت سیاست‌گذاری و مدیریت مسائل کودکان، دوجندان می‌شود. در شرایط کنونی، با توجه به همه‌گیری ویروس کرونا و شوک اقتصادی بازار کار ناشی از آن و

برنامه‌های سرگرم‌کننده آن را هم می‌بیند؛ برنامه‌هایی که اتفاقاً سرشارند از آگهی‌هایی که یک زندگی خوشبخت و لاکچری با انواع غذاها و تفریلات ریز و درشت را تبلیغ می‌کنند. شما جای این مخاطبان! سیاست‌های رسمی و تکریم رنج را باور می‌کنید یا این حجم از مصرف‌زدگی را؟! واقعیت این است که قرارگرفتن در معرض آگهی‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شوند، احساس غالباً کاذبی از نیاز به کالاهای تبلیغ‌شده را در بیننده القا و تقویت می‌کند که نهایتاً منجر به میل او به در اختیارداشتن کالاهای مورد نظر می‌شود؛ امکاناتی که در جهان واقعی، حداقل برای بخش بزرگی از مخاطبان این رسانه ممکن نیست و تنها به گسترش دامنه حسرت و پیمپاژ یأس و ناامیدی در بین آنها تبدیل می‌شود. اینها کوبی مهم نیست چراکه به نظر می‌رسد مدیران صداوسیما عزمشان را جزم کرده‌اند تا تنها به پول‌برآوردن و در اختیار قراردادن آتن به صاحبان پرنده‌ها و کالاها بپردازند و شرایط کلی جامعه برایشان از کوچک‌ترین اهمیتی برخوردار نیست؛ شرایطی که هر روز سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود و رسانه‌ها هرکدام در هر سطحی که هستند باید در برابر آن احساس مسئولیت داشته باشند. به‌ویژه تلویزیونی که بی‌رقیب و انحصاری در میدانی خالی می‌تازاند...

برنامه‌های سرگرم‌کننده آن را هم می‌بیند؛ برنامه‌هایی که اتفاقاً سرشارند از آگهی‌هایی که یک زندگی خوشبخت و لاکچری با انواع غذاها و تفریلات ریز و درشت را تبلیغ می‌کنند. شما جای این مخاطبان! سیاست‌های رسمی و تکریم رنج را باور می‌کنید یا این حجم از مصرف‌زدگی را؟! واقعیت این است که قرارگرفتن در معرض آگهی‌هایی که از تلویزیون پخش می‌شوند، احساس غالباً کاذبی از نیاز به کالاهای تبلیغ‌شده را در بیننده القا و تقویت می‌کند که نهایتاً منجر به میل او به در اختیارداشتن کالاهای مورد نظر می‌شود؛ امکاناتی که در جهان واقعی، حداقل برای بخش بزرگی از مخاطبان این رسانه ممکن نیست و تنها به گسترش دامنه حسرت و پیمپاژ یأس و ناامیدی در بین آنها تبدیل می‌شود. اینها کوبی مهم نیست چراکه به نظر می‌رسد مدیران صداوسیما عزمشان را جزم کرده‌اند تا تنها به پول‌برآوردن و در اختیار قراردادن آتن به صاحبان پرنده‌ها و کالاها بپردازند و شرایط کلی جامعه برایشان از کوچک‌ترین اهمیتی برخوردار نیست؛ شرایطی که هر روز سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود و رسانه‌ها هرکدام در هر سطحی که هستند باید در برابر آن احساس مسئولیت داشته باشند. به‌ویژه تلویزیونی که بی‌رقیب و انحصاری در میدانی خالی می‌تازاند...

تأثیر مستقیمی که بر زیست و معیشت افراد جامعه، به‌خصوص کودکان می‌گذارد، نیازمند اهتمام و عزم جدی است. گزارش‌های منتشرشده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) مؤید این نکته است که بحران اپیدمی کرونا زمانی روی داد که بیشتر سیستم‌های آموزشی کشورهای دنیا برای یادگیری به روش مجازی آمادگی نداشتند. همچنین مطابق دیگر گزارش‌های انتشاریافته کمبود یا ناکافی بودن فناوری‌های دیجیتال، زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی و امکاناتی و عدم آگاهی از فرصت‌های آموزشی و توانایی در بهره‌گیری از آنها، مانعی جدی برای تحقق دسترسی به حق آموزش برای کودکان شده است. صندوق کودکان سازمان ملل متحد اعلام کرد که یک‌سوم دانش‌آموزان در سراسر جهان در پی شیوع کرونا و تعطیلی مدارس از امکان دسترسی به آموزش از راه دور محروم شده‌اند. بر اساس گزارش یونسف، حدود ۴۶۳ میلیون کودک در سراسر جهان فاقد تجهیزات یا دسترسی به اینترنت برای ادامه آموزش از راه دور هستند. بر اساس نتیجه یکی از نظرسنجی‌های مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایپسا)، بیش از ۲۰ درصد خانواده‌هایی که دانش‌آموز دارند، اعلام کرده‌اند که امکانات آموزش غیرحضوری در خانواده آنها وجود ندارد و همچنین در اظهارنظری دیگر از سوی معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، عنوان شده است که بیش از سه‌میلیون و ۲۰۰ هزار دانش‌آموز به دلیل نداشتن دستگاه هوشمند و عدم دسترسی به گوشی و تبلت امکان استفاده از آموزش‌های مجازی را ندارند. کاهش نظارت‌ها و تشدید وضعیت بحرانی، عدم رعایت پروتکل‌های بهداشتی و بی‌برنامگی نظام آموزش عمومی در نهایت منجر به تضییع حقوق کودکان شده است. ایرج حریرچی، معاون کل وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در مهرماه سال جاری در یک گفت‌وگوی

تلفوزیونی بیان کرد در هشت ماه گذشته، تعداد مبتلایان به کرونا از دانش‌آموزان بالای ۱۰ هزار نفر بوده و حدود ۲۰۰ نفر از آنان جان باخته‌اند. نابرابری در دسترسی به امکانات و آموزش‌های بهداشتی، جان کودکان از حیث شهروندی عضو طبقات محروم کودکانی که هیچ‌گاه تعدادشان به‌درستی بیان نشده و هیچ‌گاه عزمی جدی برای بررسی وضعیت و در نهایت حمایت از حقوق آنان وجود نداشته است، در خطر جدی قرار داده است. کاهش درآمدها و ضررهای اقتصادی ناشی از شیوع این بیماری طبقات زیرین جامعه را بیش از باقی اقشار جامعه هدف قرار داده است. به‌طوری‌که در نهایت و بر اساس یافته‌های علمی و تجربی منجر به افزایش کودک‌همسری، تکدی‌گری و کار کارگاهی و سوءتغذیه کودکان می‌شود. بحران سلامت ناشی از شیوع کرونا در کنار حیطه‌های اثرپذیر زیست کودکان از شیوع این بیماری، در حال دامن‌زدن به بحران‌های دیگری است که کودکان را در معرض اثرپذیرترین و ماندگارترین آسیب‌ها قرار می‌دهد. نهادهای دولتی مرتبط با حوزه کودکی مسئول برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کارآمد و تمرکزش برای مدیریت وضعیت موجود هستند. وضعیت کنونی مترصد کنشگری جدی تمامی اعضای جامعه مدنی، برای مقابله با پیامدهای آسیب‌های وارده به سلامت جسمی، روانی و شناختی کودکان و همچنین آسیب‌های جدی وارده‌شد بر مسئله آموزش و توانمندشدن کودکان است. اثرات این آسیب‌ها تمامی زندگی آنها را در بر خواهد گرفت.

در این روزهای بحرانی، در کنار تلاش هدفمند جهت ایجاد زندگی بهتر برای کودکان، موضع‌گیری در برابر وضعیت موجود، تعهد انسانی، ایمانی، اخلاقی و حقوقی، وظیفه ماست که در مسیر تحقق حقوق تضییع‌شده کودکان راسخ‌تر از پیش پافشاری کنیم. *عضو کمیته پژوهش انجمن حمایت از حقوق کودکان، دانشجوی برنامه‌ریزی رفاه اجتماعی

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۹ آذر ۱۳۹۹ = ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲ = ۲۹ نوامبر ۲۰۲۰

سال هجدهم • شماره ۳۸۷۶ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۳ • اذان مغرب ۱۷:۱۱

اذان صبح فردا ۵:۵۶ • طلوع آفتاب ۶:۵۵

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

هم‌اکنون دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی بزرگ، انتشارات علمی، همه و همه در حد غیرقابل تصوری بر اساس مکانیسم سودآوری در بازار سرمایه، به کار گرفته شده‌اند. فردگرایی، نخیه‌گرایی، پراگماتیسم، کمیت‌گرایی، تقلیل‌گرایی، درنهایت جداپنداری تفکر از احساس، آموزه‌های غالب برای حفظ نظامی است که جامعه را مقید به پذیرش اصل سودجویی اقتصادی از علم در همه زمینه‌ها کرده است. اغلب علم‌ورزان در سلسله‌مراتب‌های سازمانی در شاخه‌های تخصصی شقه‌شده و ازهم‌گسیخته، به دنبال شواهد عینی تقلیل‌یافته به موجوداتی بیگانه از خود و کار خود، چون کارگرانی ارزان و سودرسان به کارفرمایان صاحب سرمایه درمی‌آیند. بدیهی است که بعضی از علم‌ورزان که به امید کار خلاقانه و ارضانکننده و در پی کشف حقیقت به علم رو آورده‌اند، از وضع موجود ناراضی باشند و خواهان تغییر و تحول شوند. ولی قدرت مسلط سرمایه اجازه شکل‌گیری آگاهی جمعی برای دگرگونی اساسی را نمی‌دهد. بحران همه‌گیری باعث می‌شود تا بهداشت و سلامت مردم نیز تبدیل به عرصه تاخت‌وتاز سودورزی طمع‌کارانه شرکت‌های سرمایه‌داری بزرگ شود. دعوای طب مدرن با طب سنتی را نیز در این راستا باید مورد توجه قرار داد. بازار خرید داروهای ساخت علم مدرن در تقابل با بازار داروهای گیاهی سنتی قرار دارد. جالب اینکه هنوز هیچ دارویی چه از طریق شواهد عینی علمی یا شواهد نقلی نامعتبر، برای درمان بیماری وجود ندارد. فروش بی‌رویه از هر دوسوی بازار رقابت، تنها می‌تواند برای کسب سود از جیب مردم بیمار یا از مالیات پرداخت‌شده توسط مردم نزد دولت باشد. بدیهی است بخش خصوصی، فارغ از وابستگی به هر ارگانی، طبیعتاً هرچا که سود باشد، در آنجا ظاهر می‌شود. بدین‌ترتیب سلامت مردم با تبدیل‌شدن به یک کالا در جامعه سرمایه‌داری، امروزه بازار وسیعی برای کسب سود شده است. چنین پیداست آنچه باعث جدال طب مدرن با طب سنتی در این بحران شده، دفاع از حقانیت علمی (طب متکی بر شواهد) نیست بلکه مبارزه برای گرفتن بازار سود از دست رقیب است. اگر واکسن برای پیشگیری از واگیرِی کرونا هم به بازار بیاید، بازهم وضع به همین منوال خواهد بود. هم‌اکنون شرکت‌های خصوصی سرمایه‌داری بزرگ ریسک اولیه ساختن داروها را با پول مالیات مردم که تحت اختیار دولت‌های بزرگ است،

هم‌اکنون دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی بزرگ، انتشارات علمی، همه و همه در حد غیرقابل تصوری بر اساس مکانیسم سودآوری در بازار سرمایه، به کار گرفته شده‌اند. فردگرایی، نخیه‌گرایی، پراگماتیسم، کمیت‌گرایی، تقلیل‌گرایی، درنهایت جداپنداری تفکر از احساس، آموزه‌های غالب برای حفظ نظامی است که جامعه را مقید به پذیرش اصل سودجویی اقتصادی از علم در همه زمینه‌ها کرده است. اغلب علم‌ورزان در سلسله‌مراتب‌های سازمانی در شاخه‌های تخصصی شقه‌شده و ازهم‌گسیخته، به دنبال شواهد عینی تقلیل‌یافته به موجوداتی بیگانه از خود و کار خود، چون کارگرانی ارزان و سودرسان به کارفرمایان صاحب سرمایه درمی‌آیند. بدیهی است که بعضی از علم‌ورزان که به امید کار خلاقانه و ارضانکننده و در پی کشف حقیقت به علم رو آورده‌اند، از وضع موجود ناراضی باشند و خواهان تغییر و تحول شوند. ولی قدرت مسلط سرمایه اجازه شکل‌گیری آگاهی جمعی برای دگرگونی اساسی را نمی‌دهد. بحران همه‌گیری باعث می‌شود تا بهداشت و سلامت مردم نیز تبدیل به عرصه تاخت‌وتاز سودورزی طمع‌کارانه شرکت‌های سرمایه‌داری بزرگ شود. دعوای طب مدرن با طب سنتی را نیز در این راستا باید مورد توجه قرار داد. بازار خرید داروهای ساخت علم مدرن در تقابل با بازار داروهای گیاهی سنتی قرار دارد. جالب اینکه هنوز هیچ دارویی چه از طریق شواهد عینی علمی یا شواهد نقلی نامعتبر، برای درمان بیماری وجود ندارد. فروش بی‌رویه از هر دوسوی بازار رقابت، تنها می‌تواند برای کسب سود از جیب مردم بیمار یا از مالیات پرداخت‌شده توسط مردم نزد دولت باشد. بدیهی است بخش خصوصی، فارغ از وابستگی به هر ارگانی، طبیعتاً هرچا که سود باشد، در آنجا ظاهر می‌شود. بدین‌ترتیب سلامت مردم با تبدیل‌شدن به یک کالا در جامعه سرمایه‌داری، امروزه بازار وسیعی برای کسب سود شده است. چنین پیداست آنچه باعث جدال طب مدرن با طب سنتی در این بحران شده، دفاع از حقانیت علمی (طب متکی بر شواهد) نیست بلکه مبارزه برای گرفتن بازار سود از دست رقیب است. اگر واکسن برای پیشگیری از واگیرِی کرونا هم به بازار بیاید، بازهم وضع به همین منوال خواهد بود. هم‌اکنون شرکت‌های خصوصی سرمایه‌داری بزرگ ریسک اولیه ساختن داروها را با پول مالیات مردم که تحت اختیار دولت‌های بزرگ است،

هم‌اکنون دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی بزرگ، انتشارات علمی، همه و همه در حد غیرقابل تصوری بر اساس مکانیسم سودآوری در بازار سرمایه، به کار گرفته شده‌اند. فردگرایی، نخیه‌گرایی، پراگماتیسم، کمیت‌گرایی، تقلیل‌گرایی، درنهایت جداپنداری تفکر از احساس، آموزه‌های غالب برای حفظ نظامی است که جامعه را مقید به پذیرش اصل سودجویی اقتصادی از علم در همه زمینه‌ها کرده است. اغلب علم‌ورزان در سلسله‌مراتب‌های سازمانی در شاخه‌های تخصصی شقه‌شده و ازهم‌گسیخته، به دنبال شواهد عینی تقلیل‌یافته به موجوداتی بیگانه از خود و کار خود، چون کارگرانی ارزان و سودرسان به کارفرمایان صاحب سرمایه درمی‌آیند. بدیهی است که بعضی از علم‌ورزان که به امید کار خلاقانه و ارضانکننده و در پی کشف حقیقت به علم رو آورده‌اند، از وضع موجود ناراضی باشند و خواهان تغییر و تحول شوند. ولی قدرت مسلط سرمایه اجازه شکل‌گیری آگاهی جمعی برای دگرگونی اساسی را نمی‌دهد. بحران همه‌گیری باعث می‌شود تا بهداشت و سلامت مردم نیز تبدیل به عرصه تاخت‌وتاز سودورزی طمع‌کارانه شرکت‌های سرمایه‌داری بزرگ شود. دعوای طب مدرن با طب سنتی را نیز در این راستا باید مورد توجه قرار داد. بازار خرید داروهای ساخت علم مدرن در تقابل با بازار داروهای گیاهی سنتی قرار دارد. جالب اینکه هنوز هیچ دارویی چه از طریق شواهد عینی علمی یا شواهد نقلی نامعتبر، برای درمان بیماری وجود ندارد. فروش بی‌رویه از هر دوسوی بازار رقابت، تنها می‌تواند برای کسب سود از جیب مردم بیمار یا از مالیات پرداخت‌شده توسط مردم نزد دولت باشد. بدیهی است بخش خصوصی، فارغ از وابستگی به هر ارگانی، طبیعتاً هرچا که سود باشد، در آنجا ظاهر می‌شود. بدین‌ترتیب سلامت مردم با تبدیل‌شدن به یک کالا در جامعه سرمایه‌داری، امروزه بازار وسیعی برای کسب سود شده است. چنین پیداست آنچه باعث جدال طب مدرن با طب سنتی در این بحران شده، دفاع از حقانیت علمی (طب متکی بر شواهد) نیست بلکه مبارزه برای گرفتن بازار سود از دست رقیب است. اگر واکسن برای پیشگیری از واگیرِی کرونا هم به بازار بیاید، بازهم وضع به همین منوال خواهد بود. هم‌اکنون شرکت‌های خصوصی سرمایه‌داری بزرگ ریسک اولیه ساختن داروها را با پول مالیات مردم که تحت اختیار دولت‌های بزرگ است،

نظام چندلایه تأمین اجتماعی را اجرایی کنید

عمومی را واگذار کرد که واگذاری یعنی فرار دولت از پذیرش مسئولیت قانونی خود و شانه‌خالی‌کردن از انجام تکالیف مصرح در قوانین اساسی و دیگر اسناد بالادستی. تأمین حداقل‌های خدمات و نیازهای ضروری وظیفه دولت است. کم‌کاری یا بی‌توجهی دولت در قبال این وظیفه‌اش، با سکوت مجلس شورای اسلامی در ادوار مختلف هم مواجه شده است. درحالی‌که یکی از وظایف مجلس نظارت بر اجرای قوانین است، یکی از الزامات این کار، شناسایی به‌موقع افراد مشمول و تعیین وضعیت مردم است تا بتواند کمک‌های خود را جهت دهد و حداقل در محرومیت‌زدایی و تحقق عدالت اجتماعی و رفع فقر و ایجاد آرامش در جامعه گامی بردارد. دولت به بهانه واگذاری ار کار مردم به مردم اقدام به خصوصی‌سازی خدمات عمومی کرد؛ درحالی‌که کالایی‌کردن خدمات عمومی و اجتماعی برای تأمین نیازهای اولیه و ضروری یعنی عدم دسترسی مناسب و تحقق‌نیافتن عدالت اجتماعی در زمینه دسترسی به این خدمات. این نوع برخورد دولت در حوزه خدمات عمومی و اجتماعی بسیار خطرناک است و می‌تواند تبعات زیادی در ابعاد مختلف هم داشته باشد. فراموش نکنیم که برخورداری از رفاه و تأمین اجتماعی و تأمین حقوق اولیه افراد در هر جامعه‌ای ازجمله کشور ما از حداقل‌های موابب زندگی محسوب می‌شود. البته این‌ توجه گوش شنوا می‌خواهد و مدیرانی هوشمند و متخصص و مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو.

شده و خواهان آزادی فوری او شده است. به گزارش خبرگزاری فرانسه نیروهای امنیتی و مأموران پلیس کوپا با فاصله تجمع‌کنندگان را زیر نظر گرفته‌اند؛ اما برای برهم‌زدن تجمع اقدامی نکرده‌اند. جنبش سن ایسیدرو در سال ۲۰۱۸ و در واکسن به تصویب قانونی که به باور آنها محدودیت‌ها و کاهش بر حکومتی بر فعالیتهای فرهنگی را تشدید می‌کند، شکل گرفت. این قانون که به فرمان ۳۴۹ مشهور است، راه نظارت دولت بر آثار هنری و فعالیت‌های فرهنگی چه در فضای عمومی و چه در محیط کار هنرمندان را باز کرده است. دولت کوپا ادعا می‌کند تصویب این قانون برای تشدید سانسور نیست؛ بلکه هدف اصلی آن مقابله با فرار مالیاتی است. جنبش سن ایسیدرو گروهی متشکل از هنرمندان، روزنامه‌نگاران، دانشجویان و استادان دانشگاه است که به خاطر اعتراض به محدودیت‌های آزادی بیان در کوپا بارها با برخورد نیروهای امنیتی مواجه شده است.



ماه حبس محکوم شده است. هنرمندان معترض کوپایی همچنین خواستار اطلاع از وضعیت لوئیس مانوئل اوترو الکانتاراز، از بنیان‌گذاران جنبش سن ایسیدرو شده‌اند که گمان می‌رود پس از مقاومت در برابر نیروهای پلیس بازداشت شده است. سازمان عفو بین‌الملل الکانتاراز را یک «زندانی عقیدتی» خوانده که فقط به خاطر ابراز آگاهانه اعتقادش بازداشت



تظاهرات ۲۰۰هنرمندکوبایی برای آزادی بیان

شماری از اعضا و هواداران جنبش هنری و روشنفکری «سن ایسیدرو» (San Isidro) شامگاه جمعه، ۲۷ نوامبر مقابل ساختمان وزارت فرهنگ کوپا تجمع کردند و خواستار گفت‌وگو با مقام‌های مسئول درباره برخورد با فعالان این جنبش و محدودکردن آزادی بیان شدند. برخی منابع شمار تجمع‌کنندگان مقابل وزارت فرهنگ را بیش از ۱۵۰ نفر گزارش کرده‌اند و خبرگزاری فرانسه تعداد آنها را حدود ۲۰۰ نفر گزارش کرده است. گفته می‌شود مأموران پلیس با یورش به یک مجتمع هنرمندان ۱۴ نفر آنها را به بهانه رعایت‌نکردن دستورالعمل‌های بهداشتی مقابله با کرونا مجبور به ترک محل کرده‌اند. ظاهر یکی از هنرمندان پس از بازگشت از مرکز یک مقررات رظنیه را نقض کرده است. تجمع‌کنندگان مقابل ساختمان وزارت فرهنگ خواستار آزادی یک خواننده رپ شده‌اند که مدتی پیش بازداشت و به اتهام توهین، به هشت

خبر

خبر



عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه

همه‌گیری کرونا (کووید۱۹) و نفوذ عوارض همه‌جانبه آن در همه ارکان جامعه بیش از هر چیز دیگر خصوصیات پنهان‌مانده علم مدرن و رابطه آن با ایدئولوژی، سیاست، اقتصاد و نابرابری اجتماعی را برملا می‌کند. بدیهی است که در این روزها، موضوع سلامت، علم و تکنولوژی وابسته به بهداشت و درمان، محور بحث و جدل فراوان باشد. در کشور خود شاهد هستیم که طرفداران علم مدرن در پزشکی، کارآزمایی‌های وابسته به شواهد عینی آماری را نقطه قوت خود در مقابل طب سنتی گیاهی که طرفداران خود را در نظام بهداشتی کشور دارد، به‌عنوان برگ برنده مطرح می‌کنند. امثال من که در جبهه علم پزشکی مدرن تحصیل کرده و تجربه آموخته‌ایم خواهان‌خواه از روش‌ها و دستاوردهای این علم دفاع می‌کنیم. اما در این یادداشت می‌خواهم توجه همگان را به ابعاد گسترده‌تر و عمیق‌تر موضوع در پس پرده مجادله بر سر علم، شبه‌علم و ضدعلم در جهان پراشوب امروز جلب و ادعا کنم که بهترین دفاع از علم مدرن، انتقاد از آن است. انتقاد از علم موجود می‌تواند علم را برای حل مسائل مهم انسانی از جمله مسئله مهم تأمین سلامت، تواناتر کند.

اول از همه باید بدانیم که علم و تکنولوژی مدرن محصول سرمایه‌داری است. بدیهی است که در علم مدرن به‌ویژه در زمینه سلامت، خصوصیات نهادینه‌شده‌ای وجود دارد که با طبیعت رشد سرمایه‌داری از قرن هجدهم تاکنون مطابقت دارد. به این معنا، نظام‌های سرمایه‌داری تاکنون از علم در جهت پرسودترکردن روش‌های تولید خود استفاده کرده تا در میدان رقابت از رقیبان پیشی بگیرد. علم مدرن از ابتدا اسلحه ایدئولوژیکی در میدان مبارزه با نظام فئودالی بوده است. در این میان علم به‌سوی کالایی‌شدن پیش رفته است. فراموش نکنیم که با کالایی‌شدن علم، قدم بزرگی به‌سوی اشاعه تفکر انتزاعی برداشته می‌شود. از نیمه دوم قرن بیستم کالایی‌شدن علم ابعادی عظیم پیدا می‌کند. این امر باعث می‌شود پژوهش علمی خود تبدیل به نوعی سرمایه‌داری تجاری شود.



سیدحسین موسوی چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

اتفاقی که در بندرعباس برای خانواده‌ای رخ داد که خانه‌شان را خراب کردند، دوباره موجب شد که این سوال مطرح شود: دولت کجاست تا افراد نیازمند را به‌موقع شناسایی کند؟ تاآنجاکه من به یاد دارم، سال‌های سال است که آرزوی کارشناسان حوزه رفاه و تأمین اجتماعی ازجمله مددکاران اجتماعی اجرایی‌شدن نظام چندلایه تأمین اجتماعی است؛ موضوعی که بارها در اسناد بالادستی بر آن تأکید شده است؛ اما درخ از کمترین توجه به اجرایی‌شدن آن در دولت‌های مختلف. موضوعی که در جلسه مقام معظم رهبری هم در این هفته بر آن تأکید شده بود. گرچه اخباری که دارم، این است که در دولت اول آقای روحانی پیش‌نویس لایحه نظام چندلایه تدوین شده است؛ ولی گویا ترس دولت از پذیرش این مسئولیت خود در قبال مردم و به‌ویژه نیازمندان ... موجب شده که باز هم به پستو برود. گرچه اجرای این وظیفه دولت برای ارائه خدمات عمومی به مردم به‌عنوان تکلیف دولت در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ازجمله اصل بیست‌ویکم برای حمایت مادران و کودکان و اصل بیست‌ونهم برای برخورداری از تأمین اجتماعی تأکید شده است و از نظر برخورداری